

جایگاه حضرت فاطمه علیها السلام در منابع اهل تسنن *

نَهله غروی نائینی **

چکیده

بسیاری از دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قلم زده و گزارش‌هایی در احوال و زندگانی آن حضرت ارائه کرده‌اند و سخنانی از رسول خدا صلی الله علیه و آله را درباره آن حضرت ثبت نموده‌اند. از بررسی روایات به دست آمده که هیچ‌گونه ذم یا خرده‌گیری درباره حضرت زهرا علیها السلام یافت نمی‌شود و همه به آن حضرت احترام گذاشته‌اند و مدح‌هایی درباره آن حضرت ثبت کرده‌اند و نتوانسته‌اند بر وجود مبارکش خدشه یا ایرادی وارد کنند. حتی برخی از نویسندگان وقایع تلخ پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را گزارش کرده‌اند و نتوانسته‌اند نسبت به اهانت‌های وارد بر آن حضرت و بی‌وفایی امت اسلام و کوتاهی در حق اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، بی‌تفاوت باشند. این مقاله به سبب محوریت وجود مبارک آن حضرت، احوال و جایگاه ایشان را در منابع اهل تسنن بررسی و عرضه نموده است.

کلیدواژه

حضرت فاطمه زهرا، اهل تسنن، منابع حدیثی، سیره معصومین

۱) طرح مسئله

منابع حدیثی اهل تسنن شامل کتاب‌های تاریخی، سیره، شرح حال، جوامع حدیثی، معجم‌های احادیث و ... از قرن دوم هجری تاکنون دارای احادیث و گزارش‌هایی درباره رسول‌الله، اهل بیت، همسران، منسوبان و اصحاب آن حضرت هستند. چهره تابناک و نورانی اهل بیت رسول‌الله صلی الله علیه و آله که طبق حدیث شریف کساء محور و کانون آن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است، در منابع حدیثی اهل تسنن می‌درخشد و علی‌رغم منع ثبت و روایت حدیث به‌ویژه احادیث فضایل اهل بیت در زمان خلفا مشاهده می‌شود که روایات درباره فضایل و ویژگی‌های آن حضرت در این منابع کم نیست. سؤال این است که با وجود منع نقل و ثبت حدیث و رواج جعل چگونه است که خرده‌گیری و ذم درباره آن حضرت مشاهده نمی‌شود؟ این مقاله احادیث و روایات موجود در منابع حدیثی اهل تسنن را بر حسب موضوع درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام عنوان‌بندی و ارایه کرده است.

۲) معرفی حضرت زهرا علیها السلام

فاطمه دختر رسول‌الله صلی الله علیه و آله سیده نساء العالمین آخرین دختر حضرت خدیجه بنت خویلد علیها السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله بود (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۱۹). در کتابهای اهل تسنن در کوچکتی بودن حضرت زهرا و رقیه خواهر آن حضرت اختلاف نظر است، لکن ابن عبدالبر، ابن اثیر و عسقلانی معتقدند که آن حضرت خردسال‌ترین دختران پیامبر صلی الله علیه و آله بود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۴۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۲). آن حضرت در سن ۴۱ سالگی رسول خدا در مکه به دنیا آمد و در تاریخ ولادتش میان صاحبان کتاب‌ها اختلاف نظر است، لکن این سال صحیح‌تر است (همان).

فاطمه علیها السلام مکنّا به «ام ابیها» (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۶) و ملقب به «زهراء» بود (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۲).

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، فاطمه علیها السلام را در اوایل محرم سال دوم پس از هجرت، پس از جنگ احد به ازدواج علی بن ابیطالب علیه السلام در آوردند. نیز گفته شده است که ازدواج آن دو چهار ماه و نیم پس از ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با عایشه بود. سن مبارکش هنگام ازدواج پانزده سال و پنج ماه و سن علی بیست و یکسال و پنج ماه بود (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۴۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۲). علی علیه السلام مالی نداشت و مهریه فاطمه علیها السلام به پیشنهاد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زره علی بن ابی طالب بود که پیامبر از غنائم جنگ بدر به او بخشیده بود، پس حضرت علی علیه السلام زره خود را صدق فاطمه علیها السلام قرار داد که حدود ۴۸۰ درهم ارزش داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که با یک سوم بهای آن عطریات خریداری شود (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، صص ۲۲-۲۰؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۴۸؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۶؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۳).

ابن اثیر نقل می کند که فاطمه علیها السلام گریست، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مالک تبکین یا فاطمه! فوالله لقد أنکحتک اکثرهم علماً و أفضلهم حلاً و أولهم سلماً» (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۶): چرا گریه می کنی! بخدا قسم ترا به ازدواج فردی درآوردم که از همه عالم تر و صبورتر است و اول فردی است که اسلام آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای ایشان دعا فرمود: «اللهم بارک فیهما و بارک علیهما و بارک لهما فی نسلهما» (همان، ص ۲۱۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۵) بار خدایا در میانشان برکت ده و بر آنها برکت نازل فرما و در نسل ایشان برکت بده. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام فرمود: جز این نمی خواستم که تو را به بهترین اهلیم (فرد از خانواده ام) مزدوج کنم (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۴).

ابن ابی الحدید می نویسد: ازدواج علی با فاطمه زمانی رخ داد که خداوند به شهادت ملائکه آنها را به عقد یکدیگر درآورد (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۹، ص ۱۳۹).
ثمره این پیوند حسن، حسین، ام کلثوم و زینب علیها السلام بودند (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۶؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۴۸) و علی علیه السلام هرگز در حیات فاطمه علیها السلام ازدواج دیگری نکرد (ابن عبدالبر، همان). نسل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فقط از طریق فاطمه علیها السلام است (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۳).

۳) شأن و منزلت حضرت فاطمه علیها السلام

مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام از نقل های فوق مشهود است. اینکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شخصیتی که معصوم است و از روی هوا و هوس سخن نمی گوید (النجم، ۳)، همسر این دخترش را عالم ترین، بهترین خاندانش و اول مسلمان انتخاب می کند، علی رغم اینکه از ثروتمندان و سرشناسان قوم به خواستگاری زهرا علیها السلام آمده بودند و پیامبر نپذیرفته بودند، نشانه جایگاه معنوی و عالم بودن و بهترین بودن حضرت فاطمه علیها السلام است. در حالی که پیامبر درباره سایر دخترانش چنین حساسیتی نداشت^۱.

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای مباحله با اهل کتاب حاضر شد، آیه شریفه زیر نازل گردید: «... فقل تعالوا ندع أبناءنا و ابناکم و نساآتنا و نساآکم و انفسنا و انفسکم...» (آل عمران، ۶۱) (بگو بیایید فرزندانمان و فرزندان شما، و زنان ما و زنان شما و خود ما و خود شما را بخوانیم...). آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه و علی و حسین را همراه برد و فرمود: «اللَّهُمَّ هَوِّءْ أَهْلِي» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ص ۱۵).

۱- ابوالعاص همسر زینب دخت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بود که اسلام نمی آورد. عثمان بن عفان هم همسر رقیه بود و پس از رحلت رقیه با ام کلثوم دختر دیگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۱۴).

رسول الله ﷺ کسی از همسران خویش را نبرد، بلکه از میان زنان فقط فاطمه علیها السلام را همراه برد؛ بنابراین فاطمه مصداق «نساننا» بود.

انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا ﷺ مدت شش ماه برای رفتن به نماز صبح از کنار خانه فاطمه عبور می‌کرد و می‌فرمود: «الصلاة يا أهل بيت محمد، انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت و يطهركم تطهيرا» (الاحزاب، ۳۳) به درستی که خداوند می‌خواهد تا پلیدی را از شما اهل بیت بزاید و شما را پاک پاکیزه نماید.

ام سلمه می‌گوید: آیه «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت» (الاحزاب، ۳۳) در خانه من نازل شد پس رسول خدا ﷺ به دنبال فاطمه و علی و حسن و حسین فرستاد و فرمود: «هؤلاء أهلي». عرض کردم یا رسول الله! آیا من از اهل بیت نیستم؟ فرمود: تو به خیری (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق: ج ۳، ص ۱۴۶؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۵؛ سیوطی، ۱۴۱۱ق: ج ۵، ص ۱۹۸).

۴) جایگاه حضرت زهرا علیها السلام نزد رسول خدا ﷺ

محبوب‌ترین فرد نزد پیامبر ﷺ، فاطمه علیها السلام بود (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۸). این علاقه نه تنها به سبب نسبت پدر و فرزندی بلکه به سبب جایگاه و مقام حضرت زهرا علیها السلام بود، زیرا رسول خدا ﷺ دارای چند فرزند دختر بود. از علی بن ابی طالب علیهما السلام نقل شده است که فرمود: از رسول خدا پرسیدم کدام‌یک از ما نزد شما محبوب‌تر است، من یا فاطمه؟ فرمود: «فاطمه أحب الي منك و أنت أعز علي منها» (همان، ص ۲۱۹): نزد من فاطمه محبوب‌تر است و تو عزیزتری. ابن عباس نقل کرده است که هرگاه پیامبر از سفر باز می‌گشت، به دیدار دخترش

فاطمه می‌رفت (همان؛ ابن عبدالبر، ۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۴۹).

جمیع بن عمیر تیمی می‌گوید که نزد عایشه رفتم و از او پرسیدم: پیامبر صلی الله علیه و آله چه کسی را بیش از همه دوست می‌دارد، گفت فاطمه. سؤال شد از مردان چه کسی را؟ گفت: همسرش را (ابن اثیر جزری، ۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۹).

طبرانی و ابن اثیر به سند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کنند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكِ»، (خداوند با خشم تو خشمناک و از رضایت تو خشنود می‌گردد) (طبرانی، ۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۴۰۲؛ ابن اثیری جزری، ۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۹؛ عسقلانی، ۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۶).

ابن عباس و دیگران نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله چهار خط بر روی زمین کشید و فرمود: آیا می‌دانید که این خطوط چیست؟ گفتند: خدا و رسولش بهتر می‌دانند. سپس فرمود: برترین زنان بهشت خدیجه بنت خویلد و فاطمه بنت محمد و مریم بنت عمران و آسیه بنت مزاحم هستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله با عباراتی شبیه این گفتار فاطمه علیها السلام و مادر گرامی‌اش خدیجه کبری علیها السلام را ستوده است، از جمله فرموده است: «حسبک من نساء العالمین مریم، خدیجة، فاطمة و آسیة» بهترین زنان عالم، مریم، خدیجه، فاطمه و آسیه هستند. «سيدات نساء أهل الجنة أربع: مریم و فاطمة و خدیجة و آسیة»، سرور زنان بهشت چهار تن هستند: مریم، فاطمه، خدیجه و آسیه، «خیر نساء العالمین أربع: مریم بنت عمران، آسیة بنت مزاحم، خدیجة بنت خویلد و فاطمة بنت محمد» (بهترین زنان بهشت چهار تن می‌باشند: مریم دختر عمران، آسیه دختر مزاحم، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله) (ابن عبدالبر، ۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۵۱؛ طبرانی، ۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۴۰۲؛ عسقلانی، ۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۴).

رسول خدا صلی الله علیه و آله بارها با عباراتی نظیر یکدیگر فرمود: فاطمه پاره تن من و نور

دیده من و میوه قلب من است؛ هر که به او بدی کند، به من بدی کرده و هر که او را مسرور گرداند، مرا شاد کرده است. او اولین فرد از خاندان من است که به من ملحق می‌شود. ایشان درباره فاطمه و همسر و فرزندانش فرمود: بار خدایا می‌دانی که اینان اهل بیت من و عزیزترین افراد نزد من هستند. پس دوست بدار هر که ایشان را دوست می‌دارد و دشمن بدار هر که ایشان را دشمن بدارد و یاری فرما هر که ایشان را یاری نماید (کحاله، ۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۲۵).

زید بن ارقم می‌گوید: رسول الله ﷺ به فاطمه و خانواده او فرمود: هر که با شما دشمنی و جنگ داشته باشد، با او دشمنم و می‌جنگم و هر که با شما در صلح و آرامش باشد با او در صلح و آرامش هستم (عسقلانی، ۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۶).

این دو همسر جوان با سختی و تنگدستی زندگی کردند. کارهای سنگین خانه، آرد کردن و نان پختن، دستهای حضرت زهرا علیها السلام را آزرده بود. امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود که نزد رسول الله ﷺ برو و خدمتکاری طلب نما. فاطمه علیها السلام ناچار نزد آن حضرت رفت و پس از مدتی درنگ، خواسته خویش را بر زبان آورد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در شرایطی که اصحاب صفه محتاجند، چیزی نمی‌توانم بدهم. پس از آن کلماتی را که جبرئیل علیه السلام برای آن حضرت آورد، به فاطمه علیها السلام هدیه کرد و فرمود: برای آنکه فضیلتی از تو فوت نشود، ذکر و تسبیحی به تو تعلیم می‌دهم که کمک و ثواب تو باشد و آن عبارتست از: ۳۳ بار سبحان الله، ۳۳ بار الحمد لله و ۳۴ بار الله اکبر (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۵؛ عسقلانی، ۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۷).

بدیهی است که حضرت زهرا علیها السلام برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار عزیز بود، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله چیزی به دخترش عطا کرد که برای او مفیدتر از خدمتکار باشد، یک هدیه و کمک معنوی. به تجربه برایمان ثابت شده است که این ذکر

خستگی را از انسان می‌زداید و به توان و وقت ما برکت می‌دهد.

۵) حضرت فاطمه علیها السلام در کلام همسران رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

فضایل و مناقب فاطمه علیها السلام چنان بی‌شمار است که حتی عایشه نیز نتوانسته است از ذکر آن خودداری کند و می‌گوید: «کسی را در گفتار و کلام شبیه‌تر از فاطمه به رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ندیدم». هرگاه بر آن حضرت وارد می‌شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را مورد لطف قرار می‌داد و به پیشوازش می‌رفت و در کنار او می‌نشست. عایشه می‌گوید: «کسی را راستگوتر از فاطمه ندیدم مگر فرزندانش را» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۵ق: ج ۴، ص ۴۵۰).

این گفته‌ها تصدیق الهی درباره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در ذهن می‌آورد که فرمود: «ما ینطق عن الهوی» (النجم، ۳) و «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة...» (الاحزاب، ۲۱). عایشه گفت: هرگز کسی را با فضیلت‌تر از فاطمه جز پدرش ندیدم (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۴).

جمیع بن عمیر می‌گوید: از عایشه پرسیدم، چه کسی نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم محبوب‌تر از همه بود؟ گفت: فاطمه. گفتم از مردان؟ گفت: همسرش (همان). ام‌سلمه می‌گوید: فاطمه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد، آن حضرت به او چیزی فرمود که فاطمه گریست. سپس مطلبی فرمود که فاطمه خندید. از او در این باره سؤال کردم، گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من خبر داد که امسال رحلت خواهد فرمود، پس گریه کردم، سپس فرمود: «ما یرسک أن تکونی سیده نساء اهل الجنة»، پس خندیدم (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۱۹).

از عایشه نقل شده که گفت: فاطمه آمد، قدم برمی‌داشت مانند قدم برداشتن رسول خدا. پیامبر فرمود: «مرحبا باینتی» سپس سمت راست آن حضرت نشست،

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

پس پیامبر رازی با او در میان نهاد و او گریه کرد. سپس رازی به او گفت که او خندید (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۷؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۵).

عایشه می‌گوید: فاطمه برای طلب میراث خود نزد ابوبکر آمد و فدک را طلب کرد، ابوبکر گفت: پیامبر فرمود: «لأنورث ما ترکنا صدقة» فاطمه علیها السلام از این پاسخ غضبناک شد و بعد از وفات پیامبر شش ماه زندگی کرد (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۸).

۶) حضرت فاطمه علیها السلام در کلام اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

۱-۶) شأن حضرت زهرا و خانواده

ابن عباس می‌گوید: حسن و حسین بیمار شدند. رسول خدا با علی در میان مردم بیماری آنها را یاد کرد. پس گفتند: ای ابوالحسن (علی)! چرا برای فرزندان نذر نمی‌کنی. علی و فاطمه و فضه خدمتکار ایشان نذر کردند که سه روز روزه بگیرند. حسنین بهبود یافتند. چیزی برای خوردن در خانه یافت نمی‌شد. علی از شمعون یهودی سه صاع جو قرض کرد و فاطمه آن را آرد کرد و پنج قرص نان به تعدادشان پخت. هنگام افطار در برابرشان بود که فقیری نزد ایشان آمد و گفت: السلام علیکم اهل بیت محمد. مسکینی از مساکین مسلمانان هستم. مرا سیر کنید که خدا شما را از خوراکیهای بهشت سیر کند. سهم افطار خود را به مسکین دادند و این برنامه سه روز تکرار شد و هر بار ایشان با آب افطار کردند و در نوبت دوم یتیمی و در روز سوم اسیری به ایشان مراجعه کرد. پس از آن از شدت ضعف و گرسنگی، علی علیه السلام حسنین را نزد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برد. سوره انسان (دهر) توسط جبرئیل علیه السلام به عنوان هدیه به اهل بیت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۴، ص ۶۷۰).

۲- ۶) رقت قلب

آنس می‌گوید: فاطمه به من گفت: ای آنس چگونه قلبهایتان طاقت آورد که خاک بر پیکر رسول خدا بریزید؟! (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۲۱)، سپس گریه کرد و در فراق پدر شعر سرود. فاطمه نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله ایستاد، مشتت از خاک قبر برداشت و آن را بر چشمهایش گذاشت و گریه کرد و شعر سرود (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۱۳).

۳- ۶) حق خواهی

بلاذری می‌نویسد: فاطمه علیها السلام به ابوبکر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به من بخشید. علی بن ابی طالب علیه السلام بر این گفته شهادت داد. ابوبکر شاهد دیگری خواست. ام ایمن شهادت داد. ابوبکر گفت: ای دختر رسول خدا می‌دانی که شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن پذیرفته است. فاطمه علیها السلام مجلس را ترک کرد. در روایت دیگری آمده است که ام ایمن و رباح خدمتکار پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت دادند و ابوبکر نپذیرفت و گفت: شهادت یک مرد و دو زن لازم است (بلاذری، بی تا: ص ۴۴).

۴- ۶) آمادگی برای لقاء الله

سلمی نقل می‌کند که فاطمه علیها السلام در بستر افتاد و روز وفاتش علی علیه السلام برای حاجتی از منزل بیرون رفت. فاطمه به من گفت: ای مادر برایم آب بریز تا خود را بشویم. برای او آب ریختم و خود را خوب شست، سپس فرمود: لباس جدیدم را بیاور. لباس را برای آن حضرت آوردم. سپس فرمود: رختخواب مرا در وسط اتاق بیاورد. در رختخواب قرار گرفت و رو به قبله شد، سپس فرمود: ای مادر! من الان قبض روح می‌شوم، خودم را غسل داده‌ام، هیچ فردی لباس مرا در نیاورد. فاطمه علیها السلام

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

رحلت فرمود. علی علیه السلام آمد و این خبر را به او دادم (کاتب واقدی، بی تا: ج ۸، ص ۲۷).
 عمرة بنت عبدالرحمن می‌گوید: عباس بن عبدالمطلب بر فاطمه دخت
 رسول الله صلی الله علیه و آله نماز گزارد، او و علی و فضل بن عباس وارد قبرش شدند (همان،
 ص ۲۹).
 جابر از محمد بن علی - امام باقر علیه السلام - نقل می‌کند که فاطمه علیها السلام در شب دفن
 شد (همان).

۷) نقل حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله

حضرت زهرا علیها السلام از اصحاب و راویان رسول الله صلی الله علیه و آله است و از آن
 حضرت، همسر و دو پسرش (حسنین)، عایشه، ام سلمه، سلمی ام رافع و انس
 روایت کرده‌اند و فاطمه بنت حسین و دیگران نیز به صورت مرسل از آن حضرت
 روایت کرده‌اند (عسقلانی، ۱۴۱۵ق: ج ۸، ص ۲۶۲).

۱- ۷) طبرانی به سند خویش از امام حسین بن علی علیه السلام از مادرش فاطمه علیها السلام
 روایت می‌کند که فرمود:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله شب عرفه نزد ما آمد و فرمود: خداوند به همه شما مباحثات
 می‌کند و همه شما به ویژه علی را می‌بخشد. این را به سبب اینکه فرستاده خداوند
 به سوی شما هستم می‌گویم، نه به سبب علاقه خویشاوندی. این جبرائیل است
 خیر می‌دهد که سعید به تمام معناست هر که علی را در حیات و مماتش دوست
 بدارد، و شقی (بدبخت) به تمام معناست هر که علی را در حیات و بعد از موتش،
 دشمن بدارد» (طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۴۱۵).

۲- ۷) طبرانی به سند خود از عکرمه از ابن عباس از حضرت فاطمه علیها السلام

روایت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خبر رحلتم به من داده شد. فاطمه گریه کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گریه نکن! تو اولین کسی هستی که به من ملحق می‌شوی. ابن عباس گوید: به او (فاطمه) گفتم: دیدم گریه کردی، و سپس خندیدی. فاطمه گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: زمان رحلتش فرا رسیده، من گریه کردم. فرمود: گریه نکن، تو اولین کسی هستی که به من می‌پیوندی، و من خندیدم (همان).

۳-۷) کاندهلوی گفتار فاطمه علیها السلام را بعد از دفن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به آنس در کتابش ذکر کرده است (کاندهلوی، ۱۳۹۴ق: ج ۲، ص ۴۳۵).

ابن اثیر به نقل از فاطمه بنت حسین علیها السلام از فاطمه علیها السلام روایت می‌کند که فرمود: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم إذا دخل المسجد صلی علی محمد و سلم و قال رب اغفر لی ذنوبی و افتح لی ابواب رحمتک و إذا خرج صلی علی محمد و سلم و قال رب اغفر لی ذنوبی و افتح لی أبواب فضلك»، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه وارد مسجد می‌شد بر محمد صلوات و درود می‌فرستاد و می‌فرمود: پروردگارا گناهانم را ببخش و درهای رحمت را به رویم بگشای، و هرگاه خارج می‌شد، می‌فرمود: بار خدایا گناهانم را ببخش و درهای فضلت را به رویم باز کن (حنبل، بی تا: ج ۶، ص ۲۸۲؛ ابن اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۵۲۴؛ طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۴۲۳).

۸) حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۸-۱) احمد حنبل نقل می‌کند: (پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) فاطمه علیها السلام به ابوبکر گفت: «أخبرنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم انی اول أهله لحوقاً به» پدرم به من فرمود: اولین فرد از خانواده که به ایشان می‌پیوندد، من هستم (حنبل، بی تا: ج ۶، ص ۲۸۳).

۸-۲) پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، حزن و اندوه بر زهرا علیها السلام مستولی شد.

جبرئیل نزد آن حضرت می‌آمد تا هم صحبت او شود و او را تسلی دهد و از احوال رسول الله ﷺ و جایگاه ایشان و وقایعی که برای فرزندانش اتفاق خواهد افتاد، فاطمه را با خبر کند. علی علیه السلام آن گفتار را می‌نوشت و بدین ترتیب مصحف فاطمه تهیه شد.

مصحف در میان مسلمانان به معنای قرآن بوده است، اما این مصحف، قرآن و حلال و حرام آن نیست، بلکه علم وقایع آینده است (کحاله، ۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۲۸).
۳-۸) بر اساس گفتار علمای اهل سنت، رسول خدا ﷺ در زمان حیات خود فدک^۱ را به فاطمه علیها السلام بخشید و آن سرزمین مدت سه سال در تصرف زهرا علیها السلام بود. پس از رحلت پیامبر ﷺ و در آغاز خلافت، خلیفه اول فدک را تصرف نمود (ابن ابی‌الحدید، ۳۸۳ق: ج ۱۹، ص ۲).

۴-۸) طبری به سند خود از عروه و او از عایشه نقل می‌کند که گفت: «آن فاطمه و العباس أتیا ابابکر یطلبان میراثهما من رسول الله ﷺ و هما حینئذ یطلبان أرضه من فدک، و سهم من خیبر، فقال لهما ابوبکر: أما انی سمعت رسول الله ﷺ یقول: لا نورث، ماترکنا فهو صدقة. إنما یأکل آل محمد فی هذا المال و انی والله لا ادع امرأ رأیت رسول الله ﷺ یصنعه إلا صنعته. قال: فهجرته فاطمة. فلم تکلمه فی ذلک حتی ماتت» فاطمه و عباس نزد ابوبکر آمدند و ارثی را که از رسول خدا ﷺ باقی مانده بود طلب کردند. آن دو، زمین پیامبر در فدک و سهم خیبر آن حضرت را خواستند. ابوبکر به آنها گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: ما ارث نمی‌گذاریم، آنچه می‌گذاریم صدقه است. همانا آل محمد از این مال استفاده می‌کنند. به خدا قسم رها

۱- فدک قریه‌ای نزدیک مدینه و شامل چندین باغ و بستان بوده است. در فتح خیبر مالکان آن بدون جنگ نصف آن را با رسول الله ﷺ صلح کردند که طبق قوانین اسلام چنین غنیمی ملک خاص پیامبر ﷺ است.

نمی‌کنم کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داد، جز اینکه انجام دهم. راوی گوید: فاطمه از ابوبکر دوری گزید و هرگز با او صحبت نکرد تا از دنیا رفت (طبری، بی تا: ج ۳، ص ۱۰۴).
۸-۵ قضیه سوزاندن در خانه حضرت زهرا علیها السلام مطلبی است که عده‌ای از بزرگان اهل سنت آن را ذکر کرده‌اند:

ابن عبد ربه مالکی مذهب در کتابش آورده است: ابوبکر، عمرین خطاب را فرستاد تا علی و کسانی که بیعت نکرده بودند را از خانه فاطمه بیرون بیاورد و گفت، اگر ابا کردند با آنها قتال کن. چون بیرون نیامدند عمر آتش آورد تا خانه فاطمه را بسوزاند (ابن عبدربه، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۶۳ و ج ۲، ص ۴۴۳). طبری در تاریخ خود می‌گوید: عمر به منزل علی آمد و در آن خانه طلحه و زبیر و جماعتی از مهاجران بودند. عمر گفت: به خدا قسم البته خانه را بر شما آتش می‌زنم مگر آنکه بیرون بیایید (طبری، بی تا: ج ۲، ص ۴۴۳). ابن قتیبه نوشته است: جمعی از متخلفین - از بیعت با ابوبکر - در خانه فاطمه دختر پیغمبر اطراف علی جمع شدند. ابوبکر عمر را فرستاد که ایشان را بیاورد. عمر به در خانه فاطمه آمد و فریاد زد بیرون بیایید و با خلیفه رسول خدا بیعت نمایید؛ اگر اطاعت نکنید قسم به خدایی که جانم در دست اوست این خانه را با هر که در آن هست آتش می‌زنم. به عمر گفتند فاطمه دختر پیامبر در خانه است. گفت ولو در خانه، دختر پیغمبر باشد (ابن قتیبه، ۱۳۲۲ق: ص ۳). طبرانی نقل کرده است: ابوبکر و عمر به طرفدارانشان دستور دادند تا به خانه فاطمه هجوم ببرند (طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۶۲). یعقوبی می‌نویسد: به خانه (خانه فاطمه علیها السلام) هجوم بردند، محسن را کشتند و فاطمه را مجروح کردند (یعقوبی، ۱۴۱۳ق: ج ۲، ص ۱۲۶).

ابن ابی‌الحدید نیز گفتاری مشابه دارد که ترجمه آن چنین است: عمر با مردانی

از انصار و چند تن از مهاجران به طرف خانه فاطمه علیها السلام رفت و گفت: قسم به آنکه جانم در دست اوست اگر برای بیعت از خانه بیرون نیاید خانه را با افراد آن می‌سوزانم. فاطمه علیها السلام رحلت فرمود در حالی که خشمگین بود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۲، ص ۲۰). شهرستانی با همه تعصبش در کتاب خود، گفتار نظام از بزرگان معتزله را نقل کرده که گفته است: «إِنَّ عَمْرَ ضَرَبَ بَطْنَ فَاطِمَةَ، يَوْمَ الْبَيْعَةِ حَتَّى أَلْقَتَ الْجَنِينَ مِنْ بَطْنِهَا وَكَانَ يَصِيحُ أَحْرَقُوا دَارَهَا بَمَنْ فِيهَا، وَ مَا كَانَ فِي الدَّارِ غَيْرَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ»، عمر بن خطاب چنان فاطمه را بزد که فرزندش سقط شد و عمر فریاد زد: خانه را با هر که در آن است بسوزانید و در خانه جز علی و فاطمه و حسن و حسین کسی نبود (شهرستانی، ۱۳۶۷: ص ۵۷).

عمر رضا کحاله نیز قضیه غضب فدک و سوزانیدن در خانه فاطمه علیها السلام را نوشته است (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۴، صص ۱۱۸-۱۱۴).

بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هرگز خنده بر لبان زهرا علیها السلام دیده نشد. آن حضرت بیشتر گریان بود و پیوسته از ظلمی که بر امت اسلام می‌رفت، رنج می‌برد تا به خدای عزوجل پیوست و بدین ترتیب حضرت زهرا علیها السلام اولین فرد از خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که به آن حضرت ملحق شد. هنگامی که در بستر بود به اسماء بنت عمیس فرمود: «زشت می‌دارم چگونگی حمل جسد زنان را». اسماء گفت: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیا به شما نشان دهم آنچه را در حبشه دیدم؟ آنگاه با برگ و شاخه‌های خرما تابوتی درست کرد و پارچه‌ای بر آن انداخت. فاطمه علیها السلام فرمود: «چه زیباست!» و به اسماء سفارش کرد که در شستن بدن مبارکش به علی علیه السلام کمک کند و اجازه ندهد کسی وارد شود (ابن‌اثیر جزری، ۱۴۱۵ق: ج ۷، ص ۲۲۱).

ابن‌اثیر می‌نویسد: روایت شده است که در آخرین لحظات حیات، فاطمه علیها السلام

غسل کرد و کفن پوشید و سفارش کرد که پس از فوت، علی علیه السلام کفن را از بدن او خارج نکند و در شب دفن شود، سپس ادامه می‌دهد: صحیح این است که علی و اسماء او را غسل دادند، والله اعلم (همان). علی بن ابی طالب بر بدن آن حضرت نماز گزارد. نیز گفته شده است که عباس نماز گزارد (همان).

حضرت زهرا علیها السلام به دنبال مبارزه‌اش علیه ظالمان و غاصبان تصمیم گرفت که اجازه ندهد بر وی نماز گزارند و از محل دفنش با خبر شوند؛ پس به همسرش وصیت کرد تا بدن مطهرش را شبانه دفن کند.

۹) خطبه‌ها و سخنان حضرت فاطمه علیها السلام

سخنان کوبنده و خطبه‌های بیدار کننده زهرا علیها السلام در پاسخ به ظلم‌هایی که بر آن حضرت و امام و همسرش (علی) روا داشتند و پایمال کردن حقوق ایشان و بی‌وفایی اهل مدینه نسبت به اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم - که امانت آن حضرت بودند و آنها را به امت سپرده بود و فرموده بود: «انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی» - و طبق آیه شریفه قرآن، فرمود: «لا استلکم اجرا الا المودّة فی القربی» (الشوری، ۲۳)، چنان مشهور است که جمعی از بزرگان اهل سنت آن را نقل کرده‌اند. از جمله ابن طیفور و ابن ابی الحدید خطبه حضرت زهرا علیها السلام را در کتاب‌هایشان نقل کرده‌اند (ابن طیفور، ۱۳۶۱ق: ص ۲۳؛ ابن ابی الحدید، ۱۳۸۳ق: ج ۴، ص ۸۷). ابن ابی الحدید از جوهری - از موثقین عامه - نقل کرده که این گفتار صحیح و ثابت است. سیوطی به نقل از ابن قتیبه می‌گوید: این بیانات اصل است، و این نکته دال بر این است که این گفتار موضوعه نیست. عمر رضا کحاله، خطبه حضرت زهرا علیها السلام را خطاب به ابوبکر و سخنان گله‌مندش از بی‌وفایی مردم، در پاسخ زنانی که به دیدار آن حضرت آمده بودند، در کتابش آورده است (کحاله، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ص ۱۱۷ و ۱۲۹).

۱۰ نتیجه

بسیاری از دانشمندان اهل تسنن درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام قلم زده‌اند. از مطالب ذکر شده نتیجه می‌شود که همه این دانشمندان و نویسندگان به آن حضرت احترام گذاشته‌اند و مدح‌هایی درباره آن حضرت ثبت کرده‌اند و توانسته‌اند بر وجود مبارکش خدشه یا ایرادی وارد کنند، زیرا طهارت و پاکی حضرت زهرا علیها السلام و مقام بالای آن حضرت نزد خداوند و رسول الله صلی الله علیه و آله جایی برای ایجاد خدشه به وجود مبارک آن حضرت نگذاشته است. رفتار و احترام پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به حضرت فاطمه علیها السلام بارها و بارها در برابر دیدگان بسیاری از اصحاب تکرار شده بود، لذا صدیقه طاهره برتر از آن بود که جز مدح بتوانند چیز دیگری درباره‌اش بگویند. بنابراین آن حضرت بهترین الگو برای همه زنان عالم است.

منابع

قرآن کریم

- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (۱۳۸۳ق)، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، ج ۲، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
- ابن اثیر جزری، علی بن محمد (۱۴۱۵ق)، *اسد الغابه فی معرفة الصحابة*، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۳۶۱ق)، *بلاغات النساء*، نجف: مکتبه مرتضویه.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، *الاستیعاب فی معرفة الأصحاب*، تحقیق و تعلیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری (۱۳۲۲ق)، *الامامة والسیاسة*، تصحیح و شرح محمد محمود الرافی، مصر: مطبعة النيل.

ابن عبدربه، احمد بن محمد (۴۰۴ق)، *العقد الفريد*، تحقیق مفید محمد قمیعه، بیروت: دارالکتب العلمیه.

بلاذری، ابوالحسن، رضوان محمد رضوان (بی تا)، *فتوح البلدان*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
حاکم نیشابوری (۴۱۱ق)، *مستدرک علی الصحیحین*، بیروت: دارالمعرفه.

حنبل، احمد بن محمد (بی تا)، *مسند*، بیروت: دار صادر.

زمخشری، محمود بن عمر (۴۰۷ق)، *کشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، تصحیح مصطفی حسین احمد، ج ۳، بی جا: دارالکتب العربی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۴۱۱ق)، *الدر المنثور*، بیروت: دارالکتب علمیه.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۳۶۷)، *الملل و النحل*، تصحیح محمد بن فتح الله بدران، ج ۳، قم: منشورات الشریف الرضی.

طبرانی، سلیمان بن احمد (۴۰۴ق)، *المعجم الکبیر*، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طبری، محمد بن جریر (بی تا)، *تاریخ طبری*، بیروت: مؤسسه الاعلمی.

عسقلانی، ابن حجر احمد بن علی (۴۱۵ق)، *الاصابه فی تمییز الصحابه*، تحقیق و تعلیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.

کاتب واقدی، محمد بن سعد (بی تا)، *الطبقات الکبری*، بیروت: دار صادر.

کاندهلوی، محمد یوسف (۳۹۴ق)، *حیة الصحابه*، بیروت: دار الفکر.

کحاله، عمر رضا (۴۰۴ق)، *اعلام النساء فی عالمی العرب و الاسلام*، ج ۵، بیروت: مؤسسه الرساله.

یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۴۱۳ق)، *تاریخ*، تحقیق عبدالامیر نهنا، بیروت: مؤسسه الاعلمی.